

تأثیر تعامل موثر والدین با دانش‌آموزان بر پیشرفت تحصیلی آن‌ها؛ مطالعه موردی دانش‌آموزان ابتدایی قم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۳۰

کد مقاله: ۲۸۱۵۵

فاطمه آمره‌ای*

چکیده

تعامل موثر والدین با دانش‌آموزان به عنوان یک عامل مهم در تحصیلات و پیشرفت تحصیلی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله با هدف بررسی تأثیر تعامل موثر والدین با دانش‌آموزان بر پیشرفت تحصیلی آن‌ها انجام شده است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که والدینی که در تعامل موثر با فرزندان خود قرار می‌گیرند، قادرند به ایجاد محیطی مشوق و حمایت‌کننده برای دانش‌آموزان خود بپردازند. این تعامل می‌تواند شامل مشارکت در تحصیلات، ارائه راهنمایی و پشتیبانی روانی و انگیزشی باشد. تأثیر تعامل موثر والدین با دانش‌آموزان در پیشرفت تحصیلی آن‌ها چندین جنبه را شامل می‌شود. اولاً، این تعامل می‌تواند اثر مثبتی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. ثانیاً، تعامل موثر والدین می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و خودکارآمدی دانش‌آموزان کمک کند. روش تحقیق مقاله حاضر از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد که با مشارکت دانش‌آموزان ابتدایی قم انجام شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد توصیف خودگیزی و برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده و ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان انتخاب شدند. در پایان مشخص شد ضروریست والدین علاقه و توجه جدی توأم با خردورزی نسبت به تحصیل فرزندان خود داشته باشند و راهکارهایی برای این امر پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی: خانواده، والدین، دانش‌آموز، معلم.

به منظور مسلم است که داشتن معلم و مربی خوب یعنی معلم آشنا به اصول و روش ها و شیوه های علمی آموزشی-پرورشی و بهره مند از شخصیت سالم، مقدم بر داشتن مدرسی نو و مجهز است، زیرا معلم تربیت یافته می تواند مدرسه را زده چند واجد همه شرایط مطلوب نباشد، به یک محیط مناسب برای رشد و تکامل طبیعی و سالم که هدف نهایی تربیت مطلوب است تبدیل کند (شعاری نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷۳). از یک سو، مواد آموزشی غیرقابل جذب به ساخت شناختی کودک برای او معنی دار نیستند. از سوی دیگر، اگر مواد آموزشی به طور کامل قابل جذب باشند، هیچ گونه یادگیری اتفاق نمی افتد. پس برای اینکه یادگیری صورت پذیرد، مواد آموزشی باید برای یادگیرنده تا اندازه های آشنا و تا حدودی نا آشنا باشند. آن قسمت از مواد که آشنا یا شناخته شده است جذب ساخت شناختی می شود و آن قسمت که ناشناخته است موجب تغییرات جزئی در ساخت شناختی کودک خواهد شد. به این نوع تغییر تطابق یا انطباق گفته می شود، که می توان آن را معادل یادگیری دانست (اولسون و هرگنهان، ۱۳۸۹: ۱۶۷). یادگیری، تمام تغییرات در رفتار می باشد که بر اثر تجربه ایجاد می شود (دومجان^۱، ۱۹۹۷: ۳۷۹).

فرض پیازه این بود که اگر بتواند بفهمد که چگونه دانش در نزد کودکان تشکیل می گردد، آنگاه خواهد فهمید که دانش چیست؛ زیرا ساختمان دانش ماهیت آن را نشان می دهد؛ درست همانطور که ساختمان صندلی موادی را که صندلی از آن ساخته شده است نشان می دهد (فورث^۲، ۱۹۷۷: ۴۳۸). سطح رشد ساختاری کودک، مفاهیمی که او یاد خواهد گرفت را تعیین می کند، به این معنا که ساختار فکری محدودیت هایی را برای آنچه که یاد می گیرد، ایجاد می کند. در این مفهوم یادگیری به رشد بستگی دارد. با این وجود، نمی توان گفت که یادگیری از رشد پشتیبانی نمی کند (یونیس^۳، ۱۹۷۱: ۱۷۷). اگر چیزی نتواند دست کم تا اندازه ای به ساخت شناختی ارگانیسم جذب شود، نمی تواند به صورت یک محرک زیست شناختی عمل کند. به همین معنی است که ساخت های شناختی محیط فیزیکی را می سازند. با گسترش ساخت های شناختی، محیط فیزیکی نیز گسترش می یابد. به همین منوال، اگر چیزی آن قدر به دور از ساخت شناختی ارگانیسم باشد که نتواند بر آن انطباق یابد یادگیری صورت نخواهد گرفت. برای اینکه یادگیری بهتر صورت پذیرد، اطلاعاتی باید ارائه شوند که قابلیت جذب در ساخت شناختی موجود را داشته باشند، اما در عین حال باید آن قدر با ساخت شناختی متفاوت باشند که تغییر در ساخت شناختی ضروری باشد. اگر اطلاعات قابل جذب نباشند، قابل فهم هم نخواهند بود. اما اگر به طور کامل درک بشوند، هیچ نوع یادگیری ضرورت نخواهد داشت. در واقع، طبق نظریه پیازه جذب و فهم تقریباً هم معنا هستند (اولسون و هرگنهان، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

روان شناسی شناختی نقش مهمی در روان شناسی تربیت جدید ایفا می کند و نقش آن در ارائه چگونگی یادگیری آدمی پیوسته در حال فرونی است. این روان شناسی، برخلاف رفتارگرایی، که فرایند یادگیری را در همه فراگیران اعم از کودک و بزرگسال، انسان یا حیوان، یکسان می داند، معتقد است که یادگیری نه تنها میان حیوان و انسان، بلکه میان خردسالان و بزرگسالان نیز فرق میکند. برای توجیه و تبیین یادگیری باید فرایندهای شناختی را نیز که در طول یادگیری انجام می گیرند، در نظر داشته باشیم. به طور کلی، روان شناسان شناختی، یادگیری را بر حسب تنظیم و سازماندهی درونی (ساختار درونی) مطالعه می کنند. ایشان ساختار ماده یا موضوع آموختنی و ساختار فرایندهای شناختی را در ارتباط با آن ماده مورد توجه قرار می دهند، و یادگیری را وقتی ممکن می دانند که یادگیرنده، روابط معناداری میان آنها کشف کند (شعاری نژاد، ۱۳۹۴: ۳۵۶).

زمانی که معلم به مواردی چون علاقه و ابتکار دانش آموزان، فرصت های مناسب برای به چالش کشیدن یادگیری آنها و ایجاد روابط اجتماعی مثبت، نظارت بر کل کلاس درس، تأکید بر نکات کلیدی درس، توضیح در زمینه پاسخ و هدایت دانش آموزان از طریق خطاها، توجه به نیازهای دانش آموزان با مهربانی و گرمی و دادن بازخورد توجه می کنند، مشاهده می شود که دانش آموزان سطح بالاتری از مهارت های ریاضی، رفتارهای مناسب و برداشت مثبت از توانایی های علمی شان دارند، که تأثیر این رفتارها در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و بهبود پیامدهای یادگیری بیشتر از ویژگی های ساختاری (اندازه کلاس درس) است (اقدسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۹). سطح رشد ساختاری کودک، مفاهیمی که او یاد خواهد گرفت را تعیین می کند، به این معنا که ساختار فکری محدودیت هایی را برای آنچه که یاد می گیرد، ایجاد می کند. در این مفهوم یادگیری به رشد بستگی دارد. با این وجود، نمی توان گفت که یادگیری از رشد پشتیبانی نمی کند (تراورس^۴، ۱۹۷۷: ۳۸۶). انسان در زندگی خاص خود، یک موجود روان شناختی است و هیچ مسئله ای از او را نمی توان یافت که به نحوی با روان شناسی او ارتباط نداشته باشد. از سوی دیگر، وقتی روان شناسی، مطالعه علمی رفتار و تجربه آدمی و فرایندهای ذهنی او است، ما در تدریس با رفتار معلم، رفتار محصلان و رابطه میان آن دو، سر و کار داریم. از لحاظ روان شناسی، جهت دادن به یک فرایند یادگیری یعنی انجام دادن فعالیتهای خاص، رفتار کردن با روشها و شیوه های

1 Domjan
2 Furth
3 Youniss
4 Travers

خاص، و تاثیرگذار روی دیگران در جهت های خاص به منظور ایجاد تغییر در افراد یا تبدیل وضع رفتاری موجود آنها به وضع مطلوب (شعاری نژاد، ۱۳۹۴: ۳۵۹).

خانواده عامل انتقال فرهنگ، تمدن، ادب و سنن است و اهمیت آن همیشگی است و برای دوام و بقای جامعه و تمدن و فرهنگ راهی جز آن وجود ندارد. از لحاظ واحد می یابیم که خانواده کوچک است ولی از لحاظ اهمیت بسیار مهم و بزرگ است. زیرا هسته اصلی و زیرساز جامعه های بشری است. عامل خانواده بسیار مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است. زیرا خانواده، رکن اصلی سازنده فرد و شخصیت او محسوب می گردد. علاوه بر تأثیر مستقیم خود روی رشد فرد، کیفیت و بازدهی آموزش و پرورش یک جامعه را نیز، تحت تأثیر قرار می دهد (خطیبی، ۱۳۸۲: ۱۴). یکی از جنبه های کارآمدی خانواده در عملکرد تحصیلی فرزندان پدیدار می شود. موفقیت یا شکست در اعمال تحصیلی می تواند ناشی از کارکردهای سالم یا ناسالم خانواده باشد هر چند که این مفهوم (موفقیت یا شکست تحصیلی) چندعاملی است و عواملی مانند عوامل فردی، درون سازمانی و برون سازمانی در آن دخیل است (تمنایی فر و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۴). آنجا که در هر نظام آموزشی، پیشرفت تحصیلی به عنوان مهم ترین شاخص توفیق فعالیت های علمی و آموزشی محسوب می شود، بررسی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از اهمیت خاصی نزد پژوهشگران علوم تربیتی و روانشناسی برخوردار است (نوابی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۱). برای این که مفهوم پیشرفت تحصیلی روشن شود، ابتدا باید مفهوم افت تحصیلی که واژه های در مقابل آن به شمار می آید روشن گردد، افت تحصیلی، افت عملکرد تحصیلی و درسی دانش آموزان از سطحی رضایت بخش به سطحی نامطلوب است چنان چه فاصله قابل توجهی بین استعداد بالقوه و استعداد بالفعل فرد در فعالیت های درسی مشهود باشد، چنین فاصله ای را افت تحصیلی می نامند و روشن است که افت تحصیلی فقط در مردود که و یا تجدید خلاصه نمی شود و در مورد هر دانش آموزی که یادگیری های او کمتر از توان و استعداد بالقوه و حد انتظار باشد صدق می کند بنابراین حتی دانش آموزان تیزهوش نیز ممکن است دچار افت تحصیلی گردند با روشن شدن مفهوم افت تحصیلی اکنون می توان مفهوم پیشرفت تحصیلی را به صورت شفاف در یافت. چنان چه آموخته های آموزشی فرد متناسب با توان و استعدادهای بالقوه و بالفعل او نباشد، می توانیم بگوییم که دانش آموز به پیشرفت تحصیلی نائل گردیده است (آرمند، ۱۳۷۲: ۲۵).

یکی از اساسی ترین اهداف تشکیل خانواده بقای نسل و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه است توسعه و رشد اقتصادی در گرو نیروی کار فعال و تحصیل کرده است. یکی از عوامل موثر در توسعه اقتصادی نیروی انسانی یا سرمایه های انسانی است. لذا می توان از خانواده به عنوان اولین پایگاه تربیت و پرورش منابع انسانی نام برد (رزاقی، ۱۳۷۳: ۱۶۹). خانواده غیر از منابع مادی منابع دیگری نیز در اختیار دارد که قابل تبدیل به پول نیست و در بیشتر موارد تجدیدپذیر هم نمی باشد. از جمله این منابع عشق، انسجام خانواده، خاطرات خوش و ... است. چون این منابع برای اعضای خانواده رضایت خاطر ایجاد می کند باید نقش اساسی آن ها و جایگاه خاص هر کدام مورد توجه قرار گیرد تا افراد بتوانند با بالاترین سطح مطلوب از آن ها استفاده کنند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۹۳). پیشرفت تحصیلی از آن جهت مورد توجه روان شناسان قرار گرفته است که آنچه می تواند یک فرد، خانواده و در نهایت یک کشور را در مسیر پیشرفت قرار دهد بهره مندی از افرادی است که نه تنها دارای سلامت روانی مناسبی هستند بلکه در سیستم آموزشی، مدرسه و در سطح دانشگاه تحصیلات خود را با موفقیت پشت سر گذاشته اند. خانواده به عنوان فیلتری برای عقاید، ارزشها و نگرش های مربوط به فرهنگ یک جامعه محسوب می شود و آنها را به یک شیوه بسیار اختصاصی و انتخابی به کودک ارائه می دهد بی تردید باید گفت که شخصیت، نگرش ها، طبقه اجتماعی، اقتصادی مذهب و خصوصیات، وابستگی های نسبی خانوادگی، تحصیل و جنس والدین خانواده بر نحوه ارائه ارزشها و میزان های اخلاقی به فرزندان تأثیر خواهد گذاشت (کریمی نوری و مرادی، ۱۳۷۳: ۱۵۵). معمولاً در خانواده های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا فعالیت هایی وجود دارند که تفکر کودکان را تحریک می کند، به علاوه در این خانواده کامپیوتر، کتاب های کمک آموزشی و غیر آموزشی، پازل و غیره به چشم می خورد و والدین برای رشد شناختی فرزندان سرمایه گذاری کرده و برای یادگیری آنها وقت بیشتری صرف می کنند (اکلز^۱ و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۰۳۲).

در تعلیم و تربیت، موفقیت به میزانی از کارایی گفته می شود که فرد فراخور توانایی های خود به رضایت ناشی از پیشرفت دست یابد و اغلب دانش آموزانی را موفق می دانند که در اغلب دروس، پیشرفت داشته باشند تا بتوان چنین چیزی را در مورد آنان پیش بینی نمود (قاضی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). خانواده اولین گروه اجتماعی است که افراد به عضویت آن در می آیند و حساس ترین مراحل توفیق یا شکست را در آن طی می کنند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۷۹: ۲۷۹). خانواده محیطی است که زوجین و فرزندان در آن با یکدیگر تعامل و ارتباط تنگاتنگ دارند. بنابراین، وقتی فضای آن آشفته شود، نه تنها اعضا در آن احساس ناراحتی می کنند بلکه فرزندان در حوزه های متعدد، به ویژه از نظر تحصیلی، آسیب جدی می بینند (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

۲- روش تحقیق

این مطالعه توصیفی-تحلیلی مقطعی، با مشارکت دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر قم صورت پذیرفت. در این مطالعه کلیه دانش آموزان ابتدایی قم به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده اند. حجم نمونه با توجه به نوع تحقیق ۳۰۰ نفر از بین آنها انتخاب شد. برای نمونه گیری از روش نمونه گیری تصادفی در دسترس از دانش آموزانی که در این ایام بصورت حضوری به مدرسه می آمدند، استفاده شد. در این تحقیق به این صورت که به طور تصادفی از میان این افراد ۳۰۰ نفر را به طور تصادفی انتخاب کردیم.

۳- ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه توصیف خود گیزی، متشکل از ۶۴ ماده است که ۱۳ مقیاس متفاوت را اندازه گیری می نماید و هر ماده ی آن مشتمل بر دو صفت است. در ۳۲ ماده بخش اول این پرسشنامه هر ماده مرکب از دو صفت مطلوب(مثبت) می باشد و آزمودنی باید یکی از دو صفتی را که بیشتر به توصیف او می پردازد انتخاب نماید و در ۳۲ ماده بخش دوم این پرسشنامه هر ماده مرکب از دو صفت نامطلوب(منفی) است و آزمودنی باید یکی از دو صفتی را که کمتر به توصیف او می پردازد انتخاب نماید. یکی از مقیاس های پرسشنامه توصیف خود گیزی (۱۹۷۱) متشکل از ۲۰ ماده است که هر ماده آن مشتمل بر ۲ صفت است. در ۱۰ ماده، بخش اول این آزمون، هر ماده مرکب از دو صفت مطلوب است و آزمودنی باید صفتی را که بیشتر به توصیف وی می پردازد مشخص سازد. در ۱۰ ماده بخش دوم این آزمون، هر ماده مرکب از ۲ صفت نامطلوب است و آزمودنی باید صفتی را که کمتر به توصیف او می پردازد، مشخص سازد.

۴- یافته های تحقیق

الف) جنسیت:

جدول ۱- توزیع فراوانی جنسیت آزمودنی ها

جنسیت	فراوانی	درصد
پسر	۱۹۵	۶۵
دختر	۱۰۵	۳۵
کل	۳۰۰	۱۰۰

جدول (۱) فراوانی و درصد فراوانی جنسیت آزمودنی های تحقیق را نشان می دهد. همانگونه که در جدول مشاهده می شود ۶۵ درصد آزمودنی های تحقیق را دانش آموزان پسر و ۳۵ درصد آزمودنی ها را دخترها تشکیل داده اند.

ب) پایه:

جدول ۲- توزیع فراوانی پایه آزمودنی ها

سن	فراوانی	درصد
پایه سوم	۵۴	۱۸
پایه چهارم	۶۳	۲۱
پایه پنجم	۱۳۵	۴۵
پایه ششم	۴۸	۱۶
کل	۳۰۰	۱۰۰

با مشاهده جدول (۲) می توان بیان نمود که بیشترین فراوانی آزمودنی های تحقیق مربوط به پایه پنجم است که ۴۵٪ فراوانی را شامل می شوند. ۱۸٪ آزمودنی ها پایه سوم، ۲۱٪ و ۱۶٪ را به ترتیب پایه های چهارم و ششم تشکیل می دهند.

جدول ۳- آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

بیشترین	کمترین	انحراف معیار	میانگین	شاخصه های تحقیق
۵	۲/۶۷	۰/۵۹	۴/۲۷	دعوا و بحث بین والدین
۵	۳	۰/۵۷	۴/۳۳	بحث و جدل والدین با دانش آموزان
۵	۱/۶۷	۰/۷۹	۳/۶۸	همراهی والدین در امور تحصیلی دانش آموز
۵	۱	۰/۷۵	۳/۳۹	پیگیری امور درسی توسط والدین
۵	۱	۰/۹۵	۳/۰۶	ترس از والدین بخاطر عملکرد بد تحصیلی

در جدول (۳) نتیجه آمارتوصیفی متغیرهای دعوا و بحث بین والدین، بحث و جدل والدین با دانش آموزان، همراهی والدین در امور تحصیلی دانش آموز، پیگیری امور درسی توسط والدین و ترس از والدین بخاطر عملکرد بد تحصیلی بیان شده است. دعوا و بحث بین والدین، بحث و جدل والدین با دانش آموزان در سطح بالا و همراهی والدین در امور تحصیلی دانش آموز، پیگیری امور درسی توسط والدین و ترس از والدین بخاطر عملکرد بد تحصیلی در سطح متوسط به بالا قرار دارند. بیشترین میانگین مربوط به بحث و جدل والدین با دانش آموزان و کمترین میانگین مربوط به ترس از والدین بخاطر عملکرد بد تحصیلی می‌باشد.

۸- نتیجه گیری

پس از بررسی یافته هایی که از این تحقیق بدست آمد دریافتیم که همراهی و تعامل والدین با یکدیگر و با دانش آموز در امور تربیتی، اجتماعی و تحصیلی بسیار اثرگذار است. از نظر تمامی دانش آموزان خانواده ها و والدین بسیار در امور تحصیلی آنان موثر هستند. شکست تحصیلی بر دانش آموز و کل اعضای خانواده او اثرگذار است، در نتیجه، این مشکل مرتباً تقویت می شود و تا وقتی کسی یا چیزی به عمد یا ناخواسته دست به کار معکوس کردن چرخه منفی آن نکند، این فرایند به رشد خود ادامه خواهند داد. لذا از نظر آموزشی اهمیت خانواده فقط محدود به ایجاد شرایط اقتصادی مناسب برای فرزندان نمی گردد، بلکه ضروری است والدین علاقه و توجه جدی توأم با خردورزی نسبت به تحصیل فرزندان خود داشته باشند، چون چنین توجهی ارتباط مثبت و مستقیم با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد.

راهکارهای پیشنهادی:

۱. ممانعت از انتظارات غیر واقعی والدین
۲. پرهیز از ایجاد مقایسه بین دانش آموز و همسالانش
۳. داشتن برنامه ریزی مناسب و آمادگی کامل همراهی دانش آموز
۴. پرهیز از تنبیه و سرزنش دانش آموزان در پی گرفتن نمرات پایین

منابع

۱. اقدسی، سمانه، کیامنش، علیرضا، مهدوی هزاوه، منصوره، صفرخانی، مریم (۱۳۹۳)، تعامل معلم-دانش آموز در کلاس درس مدارس موفق و ناموفق: مطالعه موردی از مدارس ابتدایی شرکت کننده در آزمون پرلز ۲۰۰۶ و تیمز ۲۰۰۷، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۳۰، شماره ۳، صص ۱۲۰-۹۳.
۲. اولسون، میتو اچ، هرگنهان، بی.آر (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات دوران.
۳. آرمند، محمد (۱۳۷۲)، نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی، ماهنامه پیوند، شماره ۱۶۸، ۲۱-۳۴.
۴. تفضلی، فریدون (۱۳۷۶)، اقتصاد کلان، نظریه ها و سیاست های اقتصادی، تهران: نی.
۵. تمنایی فر، محمدرضا، نیازی، محسن و امینی، محمد (۱۳۸۶)، بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانشجویان مشروط و ممتاز، نشریه دانشور رفتار، دوره ۱۴، شماره ۲۴، صص ۳۹-۵۲.
۶. خطیبی، الهام (۱۳۸۲)، بررسی رابطه نگرش و نظارت خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بستان آباد، طرح پژوهشی.
۷. رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۳)، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، تهران: چارخس.

۸. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۲)، روان شناسی رشد، چاپ بیستم، تهران: انتشارات اطلاعات.
۹. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۴)، روان‌شناسی تربیت و تدریس (آموزش-پرورش)، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۰. قاضی، قاسم (۱۳۸۷)، زمینه مشاوره و راهنمایی، چاپ دهم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. کرمی نوری، رضا و مرادی، علیرضا (۱۳۷۳)، روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات ایران.
۱۲. گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۷۹)، خانواده درمانی، ترجمه ارجمند، الهام و نقشبندی، سیامک، چاپ چهارم، تهران: روان.
۱۳. موسوی، شکوفه (۱۳۸۸)، موفقیت تحصیلی، چاپ سوم، تهران: قطره.
۱۴. نوایی نژاد، شکوه (۱۳۹۳)، مشاوره چیست؟ مشاوره کیست؟ ماهنامه پیوند، شماره ۴۱۶-۴۱۵، ص ۱۱-۱۲.
15. Domjan, M. P. (1997). Principles of Learning and Behavior (4th ed.), Wadsworth, USA.
16. Eccles, J. Wigfield, A. & Schiefele, V. (1998). Motivation to succeed. In w. Damon (series Ed.) & N. Eisenberg (vol. Ed.), Handbook of child psychology: Social, emotional and personality development (pp. 1017-1095). New York: Wiley.
17. Furth, H. (1977). The operative and figurative aspects of knowledge in Piaget's theory. In B.A. Geber (Ed.), Piaget and knowledge: Studies in genetic epistemology, Holt, Rinehart & Winston, London.
18. Travers, R. M. W. (1977). Essential of learning (4th ed.), McMillan, New York.
19. Youniss J. (1971). Classificatory schemes in relation to class inclusion before and after training, Hum. Devil. 15, pp. 171-183.